

تاریخچه زندگانی شیخ مرتضی انصاری

دیر زمانی از احیای عقل‌گرایی و اصولی‌گری در حوزه‌های علمیه شیعه به دست وحید بهبهانی نگذشته بود که یکی از بزرگترین و مهمترین منتقدان اخباری‌گری ظهور کرد و به اوج شهرت و محبوبیت رسید....



دیر زمانی از احیای عقل‌گرایی و اصولی‌گری در حوزه‌های علمیه شیعه به دست وحید بهبهانی نگذشته بود که یکی از بزرگترین و مهمترین منتقدان اخباری‌گری ظهور کرد و به اوج شهرت و محبوبیت رسید.

به گزارش شیعه آنلاین، شیخ مرتضی انصاری که از نسل جابر بن عبدالله انصاری صحابی معروف و خوشنام پیامبر بزرگ اسلام (ص) بود، در نخستین سال‌های قرن سیزدهم هجری (سال 1214 قمری) در ذرفول زاده شد و در حوزه‌های علمیه ایران و عراق درس خواند و سرانجام به زعامت دینی شیعه دست یافت. شیخ انصاری امروزه در حوزه‌های علمیه شیعی با دو کتاب مهم و ماندگارش (رسائل و مکاسب) شناخته می‌شود. دو کتابی که پس از دو قرن هنوز هم به عنوان متون درسی عالی‌ترین سطوح علمی حوزه شمرده شده و همتا و جایگزینی برای آنها نیامده است. علاوه بر این می‌توان شیخ اعظم را از پایه‌گذاران سیستم کنونی مرجعیت شیعی برشمرد و به نقش اساسی وی در اقتدار حوزه نجف اشاره کرد که به نقش آفرینی شاگردان شیخ در نهضت تنباکو و انقلاب مشروطه منتهی شد.

از ایران تا عراق

روزنامه اعتماد ملی در شماره امروز خود در ادامه این مطلب نوشت: او در ۱۸ ذیحجه سال ۱۲۱۴، در روز عید غدیر در ذرفول به دنیا آمد. والدینش به مناسبت روز غدیر، او را مرتضی نامیدند. از دوران کودکی قرآن و معارف اسلامی را فراگرفت. پس از خواندن قرآن و ادبیات عرب به خواندن فقه و اصول پرداخت و در این دو رشته، در جوانی به درجه اجتهاد رسید. مرتضی ادبیات عرب و مقدمات را نزد پدرش و دیگر استادان ذرفول گذراند و فقه و اصول و دوره سطح را نزد شیخ حسین انصاری (پسر عمویش) آموخت. او در سال ۱۲۳۲ به همراه پدرش به عتبات (کربلا و نجف) برای تکمیل دروس سفر کرد. شیخ مرتضی چهار سال نزد دو فقیه بزرگ عصر خود یعنی سید محمد مجاهد و شریف‌العلماء شاگردی کرد. در سال چهارم، شیخ به زادگاهش ذرفول بازگشت، اما پس از یک سال در سال ۱۲۳۷ بار دیگر به عتبات رفت. در سال ۱۲۴۰ شیخ عازم مشهد شد. او در این مسافرت، از حوزه‌های علمی بروجرد، اصفهان و کاشان نیز دیدن کرد و در برخی از آن حوزه‌ها مدتی اقامت گزید و حتی در کاشان حدود ۴ سال نزد ملا احمد نراقی (فرزند ملا مهدی نراقی) درس آموخت. شیخ مرتضی پس از ۴ سال اقامت در کاشان به اتفاق برادرش شیخ منصور به مشهد رفت. پس از چند ماه اقامت در آنجا، به تهران رفته و مدتی نیز در تهران مقیم بود. پس از شش سال مسافرت به ذرفول بازگشت و مورد استقبال همشهری‌هایش قرار گرفت و چند سالی در آنجا اقامت گزید. پس از مدتی در سال ۱۲۴۹ به نجف بازگشت و به تدریس در حوزه مشغول شد. مقام علمی وی شهره علمای ایران و عراق بود و پس از رحلت صاحب جواهر، 400 مجتهد مسلم بر اعلمیت وی صحه گذاردند. (1) شیخ انصاری 25 سال داشت که با دختر شیخ حسین - استاد نخستین خود - ازدواج کرد.

بزرگ نجف

شیخ در آخرین سال‌های حیات شیخ محمد حسن نجفی، نویسنده کتاب مشهور جواهرالکلام (که به همین دلیل به صاحب جواهر مشهور شده است) در نجف ماندگار شد و محضر درس صاحب جواهر را درک کرد. با وجود آنکه تفاوت‌هایی در اندیشه فقهی این دو مرجع بزرگ شیعه مشاهده می‌شود، اما زمان زعامت دینی صاحب جواهر و شیخ انصاری از یک جهت شباهت فراوانی داشت و آن هم نقش کمرنگ سیاسی این دو فقیه اثرگذار شیعه بود. پس از تجربه تلخ شکست در جنگ‌های ایران و روس که علمای شیعه و به ویژه سید محمد مجاهد (استاد شیخ انصاری) در آن نقش مهمی در بسیج مردم داشتند، گویا حوزه نجف و بزرگان آن ترجیح دادند کمتر در امور سیاسی و اجتماعی وارد شوند. روحیه‌ای که پس از تجربه مشروطه تثبیت شد و از حوزه نجف، حوزه‌ای ساخت که سیاسی بودن و فعالیت سیاسی حتی از ویژگی‌های منفی یک روحانی شمرده می‌شد.

اما شیخ تفاوت مهم‌تری با صاحب جواهر هم داشت و آن روحیه به شدت محتاط و سختگیرانه شیخ در اظهارنظرهای دینی و فقهی‌اش بود. تجلی این تفاوت نگرش را می‌توان در واپسین توصیه صاحب جواهر به شیخ در لحظات پایانی عمرش دانست. آنجا که به او سفارش اکید می‌کند: «با شیخ! قلل من احتیاطک! فان الشریعه سهله سمحه» (ای شیخ! کمتر احتیاط کن! شریعت بسیار سهل و آسان است.) (2)

با این حال شیخ به این توصیه استادش چندان وفادار نبود و به اجتهاد خود عمل می‌کرد. در سرتاسر کتاب فقهی مکاسب که عرصه هنرنامه‌ی و اعجاب‌انگیزی شیخ انصاری است، می‌توان قضاوت‌های محتاطانه شیخ را جست و به روحیه محتاط وی پی برد. تجلی این روحیه را در بحث اختیارات فقیهان می‌شود دید. شیخ بر خلاف استادش صاحب جواهر که قاطعانه از اختیارات حکومتی فقها دفاع می‌کرد (3)، در این مقوله با احتیاط کامل اظهار می‌کند که اثبات چنین اختیاراتی برای فقیهان تقریباً امری محال و بسیار دشوار است. (4)

در عمل نیز دوران مرجعیت دینی شیخ را می‌توان دوره رکود و آرامش سیاسی در نجف دانست. با وجود محبوبیت و نفوذ فوق‌العاده شیخ در میان شیعیان جهان و هم‌زمانی شیخ با تحولات مهم دوران ناصرالدین شاه در ایران، شاهد حضور کمرنگ و بی‌سر و صدای حوزه نجف در فضای سیاسی، اجتماعی آن روزگار هستیم. اگرچه پس از شیخ انصاری، شاگردان او (میرزای شیرازی و آخوند خراسانی) توانستند مهم‌ترین تأثیرات سیاسی را در تاریخ 200 ساله اخیر ایران به جای گذارند.

تمام دوره 15 ساله مرجعیت شیخ انصاری مصروف تربیت شاگردان بزرگ و نامداری شد که توانستند چراغ فقه و اصول فقه را روشن نگه دارند و زمینه‌های تحولات مهم اجتماعی و فرهنگی عصر خود را رقم بزنند. با مروری کوتاه به نتایج علمی و عملی حوزه درسی شیخ می‌توان به اهمیت کار وی پی برد. در حلقه درسی وی می‌توان نام‌هایی چون میرزا محمد حسن شیرازی (صاحب فتوای تحریم تنباکو)، شیخ جعفر شوشتری، حاج میرزا حبیب‌الله رشتی (نویسنده کتاب مهم بدائع‌الافکار)، سید حسین کوه‌کمری تبریزی، شیخ محمد حسن مامقانی (مؤلف کتاب ذرایع‌الاحکام فی شرح شرائع‌الاسلام)، آخوند ملامحمد کاظم خراسانی (صاحب کفایة‌الاصول و پیشوای دینی نهضت مشروطه)، آخوند ملا حسینقلی همدانی (از عرفای بزرگ)، حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی (از مدافعان جدی انقلاب مشروطه)، شریانی (مجتهد معروف آذربایجانی)، میرزا حسین نوری (صاحب کتاب مستدرک‌الوسائل)، آخوند ملا قربانعلی زنجانی (از رهبران نهضت مشروطه مشروعه که به دست

نام بیش از 300 مجتهد بزرگ شیعی در فهرست شاگردان شیخ انصاری آمده است. (5) علاوه بر تربیت و آموزش انبوه مجتهدین نامدار و اثرگذار، نظام مرجعیت شیعه نیز در عصر شیخ انصاری دچار دگرگونی‌های اساسی شد و تمرکز و اقتدار بیشتری یافت. شاید اگر شیخ انصاری را پایه‌گذار سیستم نوین مرجعیت شیعی بدانیم سخنی به گزاف نگفته‌ایم. او به دلیل مقام والای علمی و مقبولیت کم‌نظیر اخلاقی‌اش توانست محبوب میلیون‌ها شیعه شود و به عنوان یگانه زعیم دینی شیعه شناخته شود. اگرچه شیخ انصاری به دلیل همان روحیه محتاطانه‌ای که از آن سخن گفتیم، تن به لوازم ظاهری مرجعیت و رهبری مذهبی شیعه نداد و نظام مدیریتی و مالی خاصی برای اداره امور تشکیل نداد، مقام زهد و تقوای وی در میان دیگر علمای شیعی همواره زیاندار بوده است. شاید کمتر مجتهدی را همچون او بتوان یافت که تا این حد به امور دنیوی بی‌اعتنا بوده باشد. او تنها و تنها به رشد علمی شاگردان و رفاه و آسایش مردم می‌اندیشید و مرجعیت خود را در همین آرمان‌ها تعریف کرده بود. آرامشی که در سایه مرجعیت وی در حوزه‌های شیعی پدید آمد، زمینه‌ساز جهش‌های علمی و فرهنگی بزرگی شد. نسل مهمی از فقیهان و اصولیون شیعه در دوره وی و شاگردانش امکان رشد یافتند و آثار علمی او نیز بر غنای حوزه‌های شیعه افزود. روش استدلالی و ماهرانه وی مجتهدپرور و چالش‌برانگیز بود و خلاقیت‌های شگرف این فقیه ایرانی‌الصل توانست روزه‌های جدیدی در علم فقه و اصول فقه بگشاید. او توانست کار دشوار وحید بهمانی را در منزوی کردن جریان اخباری‌گری تمام کند و اصولگرایی را به اوج اقتدار برساند. دفاع قاطع وی از عقل‌گرایی در برداشت احکام شریعت، جریان حدیث‌گرا و حدیث محور را تاکنون به انزوا رانده است. همچنین او را می‌توان پایه‌گذار مکتبی فقهی - اصولی دانست که امروزه آن را به عنوان «مکتب نجف» می‌شناسیم. مکتبی که به موشکافی‌ها و پیچیدگی‌های اصولی شهره است و علاقه فراوانی به خلاقیت و نوآوری در علم اصول و قواعد فقهی دارد. کتاب «فرانداصول» شیخ انصاری که در حوزه‌ها به «رسائل» مشهور شده است، به دلیل عمق فکری و استدلالی‌اش توانست همه آثار قبلی را زیر سایه خود قرار دهد و بیش از یک قرن است که در کنار «کفایه‌الاصول» آخوند خراسانی به عنوان تخصصی‌ترین و مهم‌ترین متون درسی علم اصول شیعه تثبیت شده است. این دو کتاب در کنار کتاب فقهی «مکاسب» که آوردگاه آرای استدلالی شیخ انصاری است، به عنوان مثلث علمی شیعه توانسته چندین نسل از عالمان و فقیهان سرشناس را سیراب کند. جایگاه این سه اثر آنچنان مستحکم بوده که همه تلاش‌ها برای جایگزینی کتاب‌های دیگر به عنوان متون درسی حوزه عملاً با شکست مواجه شده و مخالفت‌های مهمی نیز در پی داشته است.

زمینه‌ساز بیداری ایرانیان

شیخ انصاری اگرچه کار فرهنگی و علمی را بر هر چیز دیگری مقدم داشت، اما شاگردانی تربیت کرد که پرچمدار مبارزات سیاسی تاریخ‌سازی در خاورمیانه شدند. میرزا محمد حسن شیرازی که پس از شیخ عهده‌دار زعامت دینی شیعیان شد، توانست در برابر قرارداد استعماری عصر ناصرالدین شاه فتوای مهمی صادر کرده و مردم را به مقاومت مدنی فرابخواند. پیروزی میرزای شیرازی توانست راه را بر جنبش‌های بعدی فراهم کند و دیگر شاگردان شیخ انصاری (آخوند خراسانی و میرزا حسین خلیلی تهرانی) در ربع نخست قرن چهاردهم هجری توانستند نخستین انقلاب 100 ساله اخیر را در منطقه خاورمیانه رهبری کنند.

بدین‌ترتیب می‌توان شیخ انصاری را نیز زمینه‌ساز اصلی بیداری ایرانیان دانست و تأثیرات کارنامه موفق فرهنگی‌اش را در این زمینه بررسی کرد. عصر شیخ انصاری همزمان با دوره آشنایی تدریجی ایرانیان با مظاهر مدرنیته بود. بی‌تردید چنین فضایی در عراق نیز احساس می‌شد و با وجود سیطره حکومت عثمانی بر عراق، نخستین نشانه‌های فرنگ از سوی حاکمان ترک به شهرهای عراق نیز راه می‌یافت. با این حال سرعت آشنایی و برخورد با جهان مدرن در دوره شیخ، چندان سرعت نندی نبود و زمان درازی طول کشید تا نبرد سنت و مدرنیته در بلاد اسلامی آغاز شود. اما رویکرد آرام و علمی شیخ سبب عمق یافتن روحانیون نجف و مواجهه معقول آنها با مدرنیته شد و شاهد بودیم که نجف و سامرا نقش مهمی در پاسداری از سنت و بومی کردن مظاهر مدرنیته ایفا کردند.

شیخ اعظم افزون بر 32 رساله و اثر علمی نگاشته که محور بیشتر این آثار، فقه و اصول فقه است. او سرانجام پس از 15 سال مرجعیت عامه و یکپارچه جهان تشیع و تربیت صدها شاگرد بزرگ و برجسته، در سن 67 سالگی در روز 18 جمادالثنانی 1281 قمری در شهر نجف درگذشت و در حرم امام علی (ع) مدفون شد. اما مرگ او آغازی بود بر بیش از یک قرن اثرگذاری و شاگردپروری. چندین نسل از بزرگان شیعه با مطالعه و مباحثه کتاب‌های او به درجه اجتهاد رسیده‌اند و شیخ مرتضی انصاری هنوز هم استاد بلامنزاع فقه و اصول است.

کرسی تدریس شیخ

از برادر شیخ مرتضی انصاری، شیخ منصور نقل شده که: شیخ حتی در سفر برای وی درس می‌گفت و او تقریرات شیخ را می‌نوشت. حاج ملا نصرالله تراب در لمعات البیان می‌نویسد: در سفر مکه همراه شیخ استاد بودیم، ما و همه حجاج دو ماه در محلی به نام عنبره به جهت ترس از غارت اعراب بادیه‌نشین توقف کردیم، شیخ عصرها برای ما از کتاب «هدایه، المسترشدين» درس می‌گفت و از جمله حاضران در درس شیخ محمدباقر فرزند مولف کتاب مذکور بود. شیخ انصاری بعد از نمازهای یومی به جای تعقیبات نماز مطالب درس و اشعار الفیه، کتابی است در علم نحو شامل هزار بیت شعر است، می‌خواند. وقتی از وی سوال شد که شما با این همه مقام علمی، درس‌های دوره نوجوانی را تکرار می‌کنی؟! در جواب فرمود: بله می‌خوانم و تکرار می‌کنم تا فراموشم نشود.

سبک نگارش

از ویژگی‌ها و خصوصیات که در نوشته‌های شیخ مرتضی انصاری ما جلب توجه می‌کند، سبک نگارش و روش ساده‌نگاری اوست که هر مطلب علمی را با سادگی و سلامت عبارت می‌گذراند و سعی می‌کند هر چه بیشتر مطلب را به ذهن خواننده نزدیک‌تر سازد به حدی که در خور فهم او تنزیل دهد. در تالیفات او الفاظ مشکل و الفاظی که استفاده از آن معمول نیست، کمتر دیده می‌شود. او با قلم شیوا و خالی از ابهام، مطالب را به رشته تحریر درآورده است و این یکی در میان اقران و امثال او همانند صاحب جواهر و صاحب ریاض از اختصاصات وی به شمار می‌آید.

آثار و تالیفات

آثار تالیفات از مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ مرتضی انصاری(ره) به یادگار مانده است که هر کدام نشانی از نبوغ، اجتهاد، علم وسیع و تحقیق دقیق آن عالم ربانی است. ما در این بخش به صورت اجمال به بازگویی برخی از آنها می‌پردازیم.

1- مکاسب (فقه) شامل مکاسب مجرمه، خیارات و احکام عمومی معاملات. 2- فرانداصول (اصول) شامل مباحث الفاظ، امارت و اصول عملی. این دو کتاب عالی‌ترین روش‌های فقهی و اصولی را در اختیار پژوهندگان این دو علم قرار می‌دهد. 3- رساله‌ای در تقیه 4- رساله‌ای در رضاع و نشر حرمت آن 5- رساله‌ای در قضاء میت 6- رساله‌ای در مواسعه و مضایقه 7- رساله‌ای در عدالت 8- رساله‌ای در مضاهره 9- رساله‌ای در ملک اقرار 10- رساله‌ای در تبیین قاعده «لاضرر و لاضرار» 11- رساله‌ای در خمس 12- رساله‌ای در زکات 13- رساله‌ای در خلل صلاه 14- رساله‌ای در ارث 15- رساله‌ای در تیمم 16- رساله‌ای در قاعده تسامح 17- رساله‌ای در باب حجیت اخبار 18- رساله‌ای در قرعه 19- رساله‌ای در متعه 20- رساله‌ای در تقلید 21- رساله‌ای در قطع و جزم 22- رساله‌ای در ظن 23- رساله‌ای در اصالة البرائة 24- رساله‌ای در مناسک حج 25- حاشیه‌ای بر مبحث استصحاب 26- حاشیه‌ای بر نجاه‌العباد (رساله عملیه) 27- کتابی در علم رجال 28- تالیفی در اصول الفقه 29- حواشی بر عوائد

حاشیه نویسان

تاکنون بیش از 200 نفر از علما، فضلا و دانشمندان و معاریف رجال اسلامی بر کتاب‌ها و نوشته‌های او حاشیه و تعلیقه نگاشته‌اند و کتاب‌های تالیفی او مرتب در ایران، عراق و دیگر کشورهای اسلامی مورد تجدید چاپ قرار گرفته است، به حدی که هم اکنون مواد فکری طلاب و فضلاء حوزه‌های علمیه و برخی از مجامع دانشگاهی و حقوقی را تشکیل می‌دهد و شخصیت‌های بزرگی مانند: آخوند ملامحمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه الاصول)، سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروه)، حاج میرزا حبیب‌الله رشتی، میرزا حسن آشتیانی، شیخ محمدحسین کاشف الغطا، سید عبدالحسین شرف‌الدین، شیخ محمدجواد بلاغی، شیخ محمدحسین مامقانی و تعداد زیادی از علما و مجتهدین مبرز و نامدار که نام بردن آنها به درازا می‌کشد، بر آن حاشیه و تعلیقه دارند. آنان نوشته‌ها و تالیفات شیخ را اصل قرار داده و بر آن تعلیقه و حاشیه افزودند و نظریات او را مورد تجزیه و تحلیل و عمق‌نگری و ژرف‌نگاری قرار داده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

1- علماء معاصرین، ص 61

2- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، نوشته حجت‌الاسلام مرتضی انصاری، ص 96

3- جواهرالکلام، ج 21، ص 397

4- مکاسب، ج 3، ص 553

5- پاورقی نخست، صص 201 تا 424